

متن پرسش

بسمه تعالی سلام استاد: وقتی که کتاب کتاب زن آنگونه که باید باشد را مطالعه می‌کنم و اهدافی که برای تشکیل خانواده از منظر اسلام و تشکیل هسته ی توحیدی آن برشمرده اید را می‌خوانم و می‌خواهم که این رهنمود ها را در انتخاب های خودم بالاخص انتخاب همسر و ازدواج پیاده سازی کنم خود را انسانی سخت گیر و غیر قابل انعطاف در مسائل دینی یافته ام، به عنوان مثال هر وقت که خانواده ام و معرفین شخصی را برای خواستگاری بمن معرفی می‌کنند پس از بررسی های اجمالی اولیه در صحبت های جدی تر با طرف مقابلم همواره بیان می‌کنم که خط قرمز بنده در تمام ابعاد زندگی مشترک حدود شرعی و دینی است و به هیچ وجهی هم از این قواعد عدول نخواهم کرد. چرا که هدفم را از تشکیل زندگی مشترک مبتنی بر آموزه هایی که در این کتاب برای ما تبیین کرده اید یک زندگی دینی برای خود تعریف کرده ام و زندگی غیر دینی را یک زندگی شکست خورده می‌دانم. به عنوان مثال مذاکراتم در دوران آشنایی قبل از ازدواج تماما حول این جمله ایی می‌گردد که در این کتاب بیان نموده اید: «حرف هرکس با همسرش باید این باشد که من رأی دین را از شما می‌پذیرم، خودم هم رأی دین را عمل می‌کنم نه نظر خود را، و از این طریق از دلسوزیهای همدیگر محروم نمی‌شوید.» خلاصه اینکه در همین بدو کار به قول معروف میخ را محکم می‌کوبم یا یک زندگی توحیدی باید تشکیل داد یا آنکه هیچ زندگی مشترکی نباید تشکیل بشود و یک زندگی عیسی گونه ی تنها را ظلمات این دوران را بر خود گوارا تر می‌دانم. و حتی بعضا پدر و مادر بنده را از سر دلسوزی نصیحت می‌کنند که اگر چنین ایدئولوژی داری چون دیگر دوره و زمانه عوض شده و عمومیت مردم نسبت به دین و دین داری و افراد متدین در سو ظن بسر می‌برند و کسی دیگر قائل به زندگی دینی مثل گذشته نیست ممکن است تا آخر عمر در تنهایی به سر ببری هر چند می‌دانم که بعضا مردم به خاطر آسیب های اقتصادی که به معیشتشان وارد شده حق دارند چنین سو ظن هایی ببرند ولی باز هم من می‌گویم یا تشکیل زندگی با هسته ی توحیدی یا هیچی! حال این شد که مزاحم اوقات شریف استاد گرامی شدم. با توجه به آنکه تمام ساختمان سیستم فکری بنده از سفره ی معارف توحیدی شما و حضرت امام در حال تغذیه و شکل گیریست اگر این دیدگاه و برداشت بنده را افراطی می‌دانید لطفا منت بگذارید و تذکر دهید. و البته بنده تمام پرسش و پاسخ های مشابه از سایر برادران و خواهران خودم از سایت مطالعه کرده ام و می‌دانم که شما حدود نظرتان در این موضوع خواستگاری و ازدواج اینست که طرف مقابل لا اقل نسبت به ولایت فقیه معاند نباشد و روی هم رفته بنای تشکیل یک زندگی دینی را داشته باشد. اما من به این کتاب شما به چشم یک استراتژی کامل برای انتخاب همسر

نگریسته ام که نباید به راحتی از مطالب مطرح شده در آن عدول کرد. با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که متوجه هستید باید بدون سخت گیری هایی که بعضاً از طرف بعضی از مذہبی ها می شود، با نوعی توافق به طرف مقابل آن نکته را در میان بگذارید که با زندگی دینی بهتر می شود کنار همدیگر قرار داشت و حقوق همدیگر را رعایت کرد بدون تأکید بر مستحبات. موفق باشید